



تسهیل

پیمان سپاری به
این معناست که
برای صادرکنندگان
کوچک یا بنگاه‌های
با ارزش افزوده
بالا، مهلت‌های
زمانی طولانی‌تر
در نظر گرفته
شود، روش‌های
متنوع‌تری برای
بازگشت ارز فراهم
شود و حتی برخی
صادرکنندگان
خوشنام یا دارای
محصولات خاص،
به‌طور کامل از
پیمان سپاری معاف
شوند. در نهایت،
پیمان سپاری باید
به حد اقل برسد و
شدت آن کاهش
یابد

مجموع، می‌توان گفت که بنگاه‌های بزرگ صادراتی نرخ بازگشت ارز بالایی داشته‌اند و تعمیم ادعای «عدم بازگشت ارز» به این گروه، ادعای دقیقی نیست.

در مورد بخش دوم سؤال، در شرایط متعارف جهانی، صادرکننده آزاد است بر اساس منافع بنگاه تصمیم بگیرد که درآمد ارزی خود را چگونه مدیریت کند؛ بخشی را به پول ملی تبدیل کند، بخشی را صرف سرمایه‌گذاری خارجی کند یا برای واردات و توسعه فعالیت‌های خود به کار بگیرد. برای مثال، شرکت‌هایی مانند آرامکو عربستان چنین آزادی عملی دارند و دولت‌ها معمولاً دخالتی در شیوه مصرف ارز بنگاه‌ها ندارند.

شرایط ایران اما به دلیل تحریم‌ها و شوک‌های ارزی، متفاوت بوده است. از این منظر، اصل پیمان سپاری ارزی به‌عنوان یک ابزار موقت برای عبور از شوک‌های پس از سال ۹۷ قابل دفاع است، اما به دو شرط اساسی؛

اول؛ پیمان سپاری نباید با مداخله قیمتی همراه باشد و صرفاً به‌عنوان یک کنترل مقداری عمل کند.

دوم؛ پیمان سپاری نباید ابزار دائمی تلقی شود و باید به‌تدریج تسهیل و محدودتر شود.

تسهیل پیمان سپاری به این معناست که برای صادرکنندگان کوچک یا بنگاه‌های با ارزش افزوده بالا، مهلت‌های زمانی طولانی‌تر در نظر گرفته شود، روش‌های متنوع‌تری برای بازگشت ارز فراهم شود و حتی برخی صادرکنندگان خوشنام یا دارای محصولات خاص، به‌طور کامل از پیمان سپاری معاف شوند. در نهایت، پیمان سپاری باید به حد اقل برسد و شدت آن کاهش یابد.

تجربه نشان داده است اجرای همزمان پیمان سپاری با کنترل قیمتی، به تشدید ناکارایی‌ها منجر شده است؛ از افزایش کم‌اظهاری صادرات و رشد نرخ عدم بازگشت ارز گرفته تا انتقال بخش بزرگی از معاملات به بازار غیررسمی. همین ارزهای خارج شده، در عمل منبع تأمین ارز واردات از مسیرهای غیررسمی شده‌اند و واردکنندگان را به استفاده از مصوباتی مانند ۹۰-۱۰ یا مسیرهای پرهزینه سوق داده‌اند.

راهکار، تسهیل حداکثری بازگشت ارز در بازار رسمی و اجازه معامله ارز به نرخ توافقی است. هرچه بازار رسمی برای صادرکننده جذاب‌تر و منعطف‌تر باشد، ارز کمتری به بازار غیررسمی منتقل می‌شود، صادرات افزایش می‌یابد و سرمایه‌گذاری در صادرات تقویت می‌شود. در چنین شرایطی، می‌توان بسیاری از واردات ممنوع یا قاچاق را نیز به مسیر رسمی هدایت کرد و به ثبات پایدارتر بازار ارز دست یافت. ▀

تولیدکنندگان بود نیز محقق نشده است؛ زیرا بسیاری از واردکنندگان ماه‌ها در صف باقی مانده و برای تأمین نیاز خود به بازار غیررسمی متوسل شده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت این سیاست نه تنها به اهداف خود نرسیده، بلکه شرایط موجود را پیچیده‌تر و دشوارتر نیز کرده است.

■ در برخی رسانه‌ها بارها عنوان می‌شود که پتروشیمی‌ها بخش قابل توجهی از ارز صادراتی خود را بازگردانده‌اند و این موضوع خلاف قانون است. آیا چنین ادعایی صحت دارد؟ در حالت کلی، آیا یک بنگاه صادرکننده الزاماً باید ارز خود را به ریال تبدیل کند یا به واردکننده تحویل دهد؟ بنگاه‌های بزرگ صادراتی در دنیا، مانند آرامکو عربستان، با درآمد‌های ارزی خود چه می‌کنند؟

ابتدا لازم است روشن کنیم که «الزام بازگشت ارز» از نظر مقررات سه مؤلفه مشخص دارد: اول، میزان ارزی که صادرکننده باید بازگرداند؛ دوم، زمان بازگشت ارز و سوم، شیوه بازگشت ارز، یعنی اینکه ارز در کدام مسیر تعیین شده (مانند نیما، ارز اشخاص، تالار دوم، تهاتر و ...) عرضه شود.

بنابراین، وقتی از «عدم بازگشت ارز» صحبت می‌شود، این عدم بازگشت می‌تواند به یکی از این سه مؤلفه مربوط باشد؛ یعنی یا ارز با تأخیر بازگشته، یا کمتر از میزان تعهد بازگشته، یا به روشی غیر از روش مورد نظر بانک مرکزی و کارگروه بازگشت ارز تسویه شده است. در بسیاری از موارد، آنچه به‌عنوان تخلف مطرح می‌شود، مربوط به شیوه بازگشت یا زمان بازگشت است، نه اینکه ارز اساساً به کشور بازگشته باشد.

بر اساس آمار موجود، صادرکنندگان بزرگ، ریشه‌دار و خوشنام کشور -بویژه در صنایع پتروشیمی، فلزات و سایر صنایع بزرگ- نرخ بازگشت ارز بسیار بالایی دارند و در برخی دوره‌ها حتی بیش از تعهد ارزی خود، ارز بازگردانده‌اند. این موضوع کاملاً قابل انتظار است؛ چراکه این بنگاه‌ها، شرکت‌های کوچک و موقتی نیستند. بسیاری از آنها وابستگی مستقیم یا غیرمستقیم به صندوق‌های بازنشستگی و نهادهای عمومی دارند و برای فعالیت کوتاه‌مدت یا خروج سرمایه شکل نگرفته‌اند. از نظر اقتصادی نیز برای چنین شرکت‌هایی تخلف ارزی صرفه‌ای ندارد و حفظ اعتبار و تداوم فعالیت بلندمدت برای آنها اولویت دارد.

در برخی مقاطع ممکن است تأخیرهایی در بازگشت ارز رخ داده باشد؛ برای مثال، اگر بازگشت سه‌ماهه به چهار ماه موکول شده باشد. در شرایط تحریمی، این گونه تأخیرها لزوماً به معنای تخلف آگاهانه نیست و اغلب ناشی از محدودیت‌ها و پیچیدگی‌های تجارت خارجی است. در

